

رابطه شیوه‌های فرزندپروری با نیازهای بنیادی روانی افراد

علی اکبر صلاحی^۱، مریم کریمی^۲

^۱ مدرس و مشاور دانشگاه، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهرری.
^۲ دانش آموخته مقطع کارشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهرری.

نام نویسنده مسئول:

مریم کریمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی با روش پژوهش کمی و از نوع همبستگی انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام خمینی (ره) - شهرری ۲۰ تا ۵۴ در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ روی ۲۲ نفر (۲۰ زن و ۲ مرد) به صورت دردسترس انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند و مقیاس نیازهای بنیادی روانی گاردیا، دسی و رایان بود. از روش آماری همبستگی پیرسون برای فرضیه‌ها و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS۲۲ استفاده شد. نتایج آماری حاصله از همبستگی، نمره ۰,۰۰۰ را برای Sig نشان داد که از ۰/۰۵ کوچکتر بود؛ در نتیجه با احتمال ۹۵٪ رابطه معنادار است.

واژگان کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، نیازهای بنیادی روانی.

مقدمه

از آغاز خلقت بشر تا کنون، بحث نیازهای وجودی انسان مطرح بوده است بدین صورت که نیازهای انسان بخش مهمی از طبیعت انسانی را تشکیل می‌دهند. در دنیای امروز، نیازهای انسان گسترده شده و به صورت طیف وسیعی درآمدہ است که به شرح ذیل است: نیازهای فیزیولوژیک «گرسنگی، تشنگی و غریزه جنسی» نیازهای اجتماعی «قدرت، پیشرفت و صمیمیت» نیازهای روانی «خودمختاری، شایستگی و ارتباط» لازم به ذکر است تا زمانیکه نیازهای زیستی انسان برطرف نشده باشند، فعالیت های شخص عمدتاً در این سطح بوده و بقیه نیازها انگیزش کمی ایجاد خواهند کرد (فاطمه شعبی، ۱۳۹۲).

نظریه خودتعیین‌گری را به عنوان یکی از پراهمیت‌ترین نظریه انگیزش درونی معرفی می‌کنند. آنان بر این باورند که در این نظریه افراد آن دسته از ویژگی‌ها و خصوصیات که به لحاظ اجتماعی ارزشمند جلوه می‌کنند، در زندگی خود به کار گرفته و درونی‌سازی می‌کنند. بر همین اساس ارضای سه نیاز بنیادی روانی «خودمختاری، شایستگی و ارتباط» در افراد، موجب تحریک انگیزه آنها در بدست آوردن اهداف و خواسته‌هایشان است (فرجی، ۱۳۹۳).

خودمختاری به معنای نظارت مستقیم و مستقل افراد، بر کارها و اموراتشان است. به عبارتی؛ خود شخص باید به عنوان فرد تصمیم گیرنده ناظر بر انجام اعمال و کارهایش باشد. از طرفی خودمختاری باعث افزایش ظرفیت اعتماد به نفس افراد شده و به آنان کمک می‌کند که در شرایط سخت و بحرانی به صورت کاملاً هوشمندانه تصمیم‌گیری کرده و نیازی به غیر نداشته باشند (آنا استیلز^۱، ۲۰۱۵).

شایستگی مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی است که هر شخص متناسب با درک وضعیت و موقعیت خود تصمیم می‌گیرد چگونه رفتار کند و عملکردش را به گونه‌ای شایسته در مقابل چشم همگان به نمایش درآورده و آنان را شگفت زده کند (داریو راشو^۲، ۲۰۱۶).

ارتباط به معنای شکل‌گیری مکالمات فردی و اجتماعی میان افراد و برقراری نوعی پیوند صمیمی و عاطفی با دیگران است که برقراری این پیوند به طرق مختلفی صورت می‌گیرد اعم از (ارتباط مستقیم، ارتباط از طریق تلفن، نامه، روزنامه، رسانه‌های عمومی و...) به گونه‌ای که در انتها بتوان به یک نقطه نظر مشترک درباره موضوع مورد بحث رسید (شانون^۳، ۱۹۴۸). شیوه‌های فرزندپروری یکی از سبک‌های مدرن تربیتی است که هر خانواده‌ای برای پرورش استعداد، مهارت، رشد و شکوفایی فرزندان آن را به کار گرفته تا آنان را در مواقع سخت و بحرانی یاری رساند چرا که پدران و مادران نقش محوری و اساسی را در زندگی فرزندان به عهده دارند (دیوید یوتینگ^۴، ۲۰۰۷).

تصمیم‌گیری می‌دهند، اما درعین حال فرزندان را در انتخاب تصمیمی درست‌تر یاری می‌دهند. هنگام رویارویی با مشکلات؛ با فرزندان خود مشورت کرده، نظرات آنها را جویا می‌شوند. والدین در عین دادن آزادی به فرزندان، حریم آنها را مشخص کرده و مقتدرانه عمل می‌کنند (برک لورا، ۱۳۹۶).

در شیوه فرزندپروری مستبدانه، والدین به ندرت به نظرات و درودل‌های فرزندان خود گوش می‌دهند. با استفاده از زور و تنبیه، فرزندان را به انجام کارهایی دوست ندارند مجبور می‌کنند. برای شخصیت فرزندان، ارزشی قائل نیستند و مرتباً آنها را مقابل دیگران خوار و خفیف می‌کنند. به فرزندپروری مستبدانه، دیکتاتوری گفته می‌شود (میرزابیگی، ۱۳۹۲). والدین در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، نظارت کمی بر کار و امور فرزندان دارند یا اصلاً ندارند. والدین رفتاری دوستانه با فرزندان دارند اما توجه کافی به فرزندان خود نمی‌کنند و تا حدود زیادی، فرزندان هستند که به جای والدینشان تصمیم گیرنده هستند (قدسی و قائمی، ۱۳۹۳).

در سبک فرزندپروری بی‌اعتنا، والدین به قدری غرق در استرس هستند که زمان کمی را برای وقت گذراندن به فرزندان خود اختصاص می‌دهند. نسبت به تربیت و چگونگی شکل‌گیری شخصیت فرزندان بی‌اعتنا بوده به قدری که این موضوع موجب مختل شدن تمامی جنبه‌های رشد فرزند می‌گردد (برک لورا، ۱۳۹۶).

¹ Anna stilz

² Dario Russo

³ Shannon

⁴ David utting

در این پژوهش، ما به دنبال اثبات وجود رابطه‌ای میان شیوه‌های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی هستیم که در ادامه آموزش شیوه‌های فرزندپروری را برای والدین توصیه می‌کنیم تا با آگاهی و استفاده از سبک تربیتی مناسب «سبک مقتدرانه» بتوانند زمینه رشد، ارتقاء و ارضای نیازهای روانی کودکان را فراهم کنند. در صورت توجه والدین به این آموزش‌ها و نکات، در آینده‌ای نزدیک، شاهد خواهیم بود که عقده‌های روانی فرزندان ما که ریشه در دوران کودکی‌شان دارد، با شیوه‌های فرزندپروری صحیح والدین ما برطرف شده و شاهد رشد و ترقی فردی و جمعی آنها برای خود، خانواده‌شان، ملت و دولتشان هستیم (نگارنده).

فیلیپ^۵ و همکاران (۲۰۰۵) پژوهشی را با عنوان رضایت از نیازهای بنیادی روانی به عنوان واسطه بین دلبستگی بزرگسالان «اظطراب»^۶ و دوری^۷ و پریشانی «شرم»^۸، افسردگی^۹ و تنهایی^{۱۰} مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رضایت از نیازهای روانی، میان دلبستگی بزرگسالان و پریشانی آنها وساطت کرده؛ با به‌کارگیری از روش‌های خاص، اهمیت این تأثیرات را سنجیده و مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

توزنده‌جانی، توکلی‌زاده و لگزبان (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد، شیوه‌های فرزندپروری والدین بر خودکارآمدی دانشجویان تأثیر معنی‌داری داشته و در این میان شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه سهل‌گیرانه و شیوه مستبدانه بر افزایش خودکارآمدی تأثیر معنی‌داری داشته است. همچنین شیوه فرزندپروری بر سلامت روان تأثیر معنی‌داری داشت. و تأثیر شیوه فرزندپروری بر سلامت روانی متفاوت بوده است. به طوریکه شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه مستبدانه بر سلامت روان دانشجویان تأثیر معنی‌داری گذاشته است. بر همین اساس نتیجه گرفته شد که با توجه به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روانی که اهمیت ویژه‌ای در دانشجویان دارد، آموزش این شیوه‌های برای والدین در سطوح مختلف توصیه می‌شود.

در این پژوهش به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی رابطه وجود دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر کمی، از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۹۶-۹۷ دانشکده علوم پایه رشته روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام شهرری می‌باشد؛ شرکت‌کنندگان ۲۲ نفر از دانشجویان رشته روانشناسی مقطع کارشناسی که ۲۰ نفر زن و ۲ نفر مرد با دامنه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال می‌باشند که در این پژوهش روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات به صورت دردسترس می‌باشد. همچنین در این پژوهش از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند و مقیاس آزمون نیازهای بنیادی روانی گاردیا-دسی و رایان به عنوان ابزار استفاده گردیده شده است.

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری (بامریند^{۱۱}) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه، شیوه‌های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. جمله‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸ به شیوه سهل‌گیرانه و جمله‌های ۱، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۲۹ به شیوه استبدادی و جمله‌های شماره‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ به شیوه قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون «کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم» به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره‌گذاری شده است. برای بررسی اعتبار و روایی از روش افتراقی استفاده کرد و مشاهده نمود که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیری (r: 0/38) و اقتدار منطقی (0/48) دارد. و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت (r: 0/7) که نتایج نشان داد پرسشنامه

⁵ philip

⁶ anxiety

⁷ avoidance

⁸ shame

⁹ depression

¹⁰ loneliness

¹¹ Baumrind

دارای روایی صوری است. مقیاس آزمون نیازهای بنیادی روانی توسط گاردیا^{۱۲}، دسی^{۱۳} و رایان^{۱۴} در سال ۲۰۰۰ ساخته شده است که میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط را با دیگر آزمودنی ها می‌سنجد. مقیاس مذکور ۲۱ ماده است که براساس مقیاس ۷ درجه ای لیکرت درجه بندی شده است. در این پژوهش منظور از نمره استاندارد نیازهای بنیادی روانی نمره ای است که فرد به سوالات ۲۱ گویه ای پرسشنامه می‌دهد. زیرمقیاس خودمختاری: ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰ زیرمقیاس- شایستگی: ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹ زیرمقیاس ارتباط: ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱

برای مشخص کردن اعتبار مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، ضریب اعتبار ۰/۸۰۵ بدست آمده حاکی از آن است که ابزار مذکور دارای اعتبار بالایی است. همچنین ضرایب اعتبار برای شایستگی ۰/۷۴۵، خودمختاری ۰/۷۰۳، و ارتباط ۰/۶۴۵ از طریق تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل مولفه هاست (ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۶). در ایران این مقیاس، در نمونه های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده که از روایی و پایایی مطلوبی بهره مند است به طوریکه آلفای کرونباخ بین ۰/۷۴-۰/۷۹ در نوسان است (هومن، کتابی و بشردوست، ۱۳۹۱). در روش آمار توصیفی از شاخص های پراکندگی مرکزی، نظیر میانگین، نما، مد، واریانس، انحراف معیار و جدول و نمودار استفاده می‌شود. و در آمار استنباطی از روش کمی، همبستگی استفاده می‌شود و تمامی اطلاعات با نرم افزار SPSS 22 آنالیز گردید.

جدول ۱- آمار توصیفی

	jensiyat	age	tahsilat	shoghl	farzandparvari	niyazhayeravani
Valid N	22	22	22	22	22	22
Missing	0	0	0	0	0	0
Mean	1.09	28.00	2.00	1.00	89.0000	40.0000
Std. Error of Mean	.063	1.000	.000	.000	2.00000	.00000
Median	1.00	24.00	2.00	1.00	88.0000	40.0000
Mode	1	21 ^a	2	1	82.00 ^a	37.00 ^a
Std. Deviation	.000	9.000	.000	.000	10.00000	3.00000
Variance	.087	83.000	.000	.000	118.000	14.000
Skewness	3.059	1.000		.000	.000	-.060
Std. Error of Skewness	.000	.000	.000	.000	.000	.000
Kurtosis	8.085	1.000		-2.037	.000	-1.060
Std. Error of Kurtosis	.000	.000	.000	.000	.000	.000
Range	1	34	0	1	41.00	14.00
Minimum	1	20	2	1	73.00	33.00
Maximum	2	54	2	2	114.00	47.00
Sum	24	627	44	31	1966.00	892.00

با توجه به اطلاعات جدول ۱، تعداد نمونه های این پژوهش ۲۲ نفر بوده که میانگین رده سنی آنها ۲۸،۰۰ می‌باشد، کمترین و بیشترین مقدار عددی متغیرسن به ترتیب ۲۰ و ۵۴ سال می‌باشد.

¹² Gardia

¹³ Deci

¹⁴ Ryan

جدول ۲- توزیع فراوانی متغیر سن

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
20	2	9.1	9.1	9.1
21	4	18.0	18.0	27.0
22	4	18.0	18.0	45.0
23	1	4.0	4.0	50.0
26	1	4.0	4.0	54.0
30	3	13.0	13.0	68.0
Valid 32	2	9.1	9.1	77.0
37	1	4.0	4.0	81.0
39	1	4.0	4.0	86.0
40	1	4.0	4.0	90.0
42	1	4.0	4.0	95.0
54	1	4.0	4.0	100.0
Total	22	100.0	100.0	

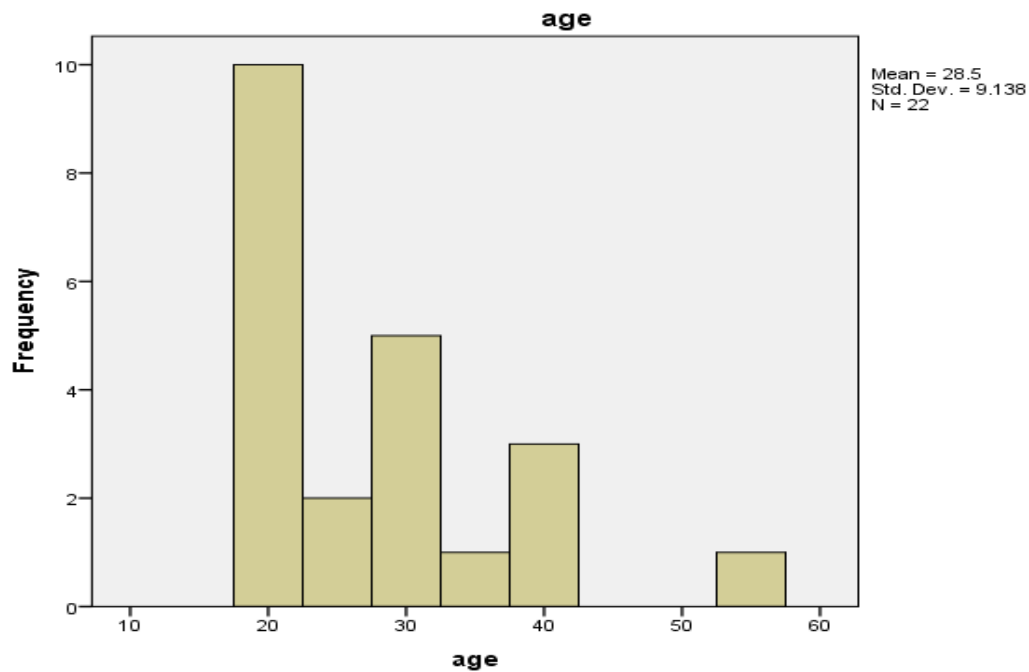
در جدول ۲، ستون اول تمام مقادیر معلوم شده برای متغیر سن ارائه شده است، ستون دوم تعداد داده هایی را که این مقدار دارند نشان می دهد. ستون سوم نشان دهنده درصد تمام داده هایی را که این مقدار معین را دارند، است؛ ستون چهارم نیز درصد تمام داده های معتبری را ارائه می کند که به این مقدار مربوط می شوند و ستون پنجم نیز، درصد فراوانی تجمعی را برای متغیر سن نشان می دهد. لذا با توجه به جدول ۱، مقادیر معلوم شده برای متغیر سن ۲۰ تا ۵۴ سال می باشد.

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیر جنسیت

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
zan	20	90.0	90.0	90.0
Valid mard	2	9.1	9.1	100.0
Total	22	100.0	100.0	

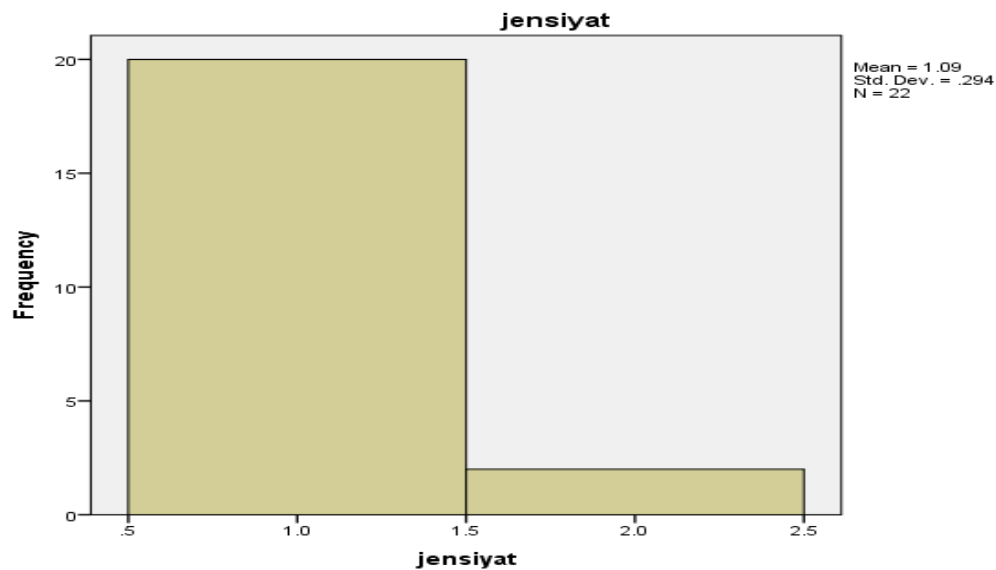
در جدول ۳، ستون اول تمام مقادیر معلوم شده برای متغیر جنسیت ارائه شده است، ستون دوم تمام داده هایی را که این مقدار را دارند نشان می دهد. ستون سوم نشان دهنده درصد تمام داده هایی است که این مقدار معین را دارند ستون چهارم هم درصد تمام داده های معتبری را ارائه می کند که به این مقدار مربوط می شوند و ستون پنجم درصد فراوانی تجمعی را برای متغیر جنسیت ارائه می دهد.

نمودار ۱- نمودار هیستوگرام متغیر سن



نمودار ۱، نمودار هیستوگرام متغیرسن را نشان می‌دهد. در محور افقی، مقدار متغیرسن و در محور عمودی فراوانی، نشان داده شده است. برون داد نمودار هیستوگرام متغیرسن نشان می‌دهد، بیشتر دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۰ قرار دارند.

نمودار ۲- نمودار هیستوگرام متغیر جنسیت



نمودار ۲، نمودار هیستوگرام متغیر جنسیت را نشان می‌دهد که در محور افقی مقدار متغیر جنسیت و در محور عمودی فراوانی نشان داده شده است. ضمناً برون داد نمودار هیستوگرام متغیر جنسیت نشان می‌دهد، تعداد زنان بیشتر از آقایان است.

جدول ۴- همبستگی بین شیوه های فرزندپروری با نیازهای بنیادی روانی

		farzandparvari	niyazhayeravani
farzandparvari	Pearson Correlation	1	.096
	Sig. (2-tailed)		.000
	N	22	22
niyazhayeravani	Pearson Correlation	.096	1
	Sig. (2-tailed)	.000	
	N	22	22

نتایج مذکور در جدول شماره ۴ آورده شده است، فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از اینکه بین شیوه های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی رابطه معناداری وجود دارد. و چون نتایج آماری در جدول شماره ۴ نمره **Sig** ، **.0000** شده است و از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد در نتیجه فرض صفر رد می شود و فرض خلاف تایید می شود.

بحث

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی بود که پس از بررسی صورت گرفته. با توجه به جدول شماره ۴ نمره **sig** نمره ۰,۰۰۰ شد که با رد فرض صفر می توان چنین نتیجه گیری کرد که بین شیوه های فرزندپروری و نیازهای بنیادی روانی رابطه معناداری وجود دارد.

بشارت و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی نقش تعدیل کننده نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان به یافته های جدیدی رسیدند اینکه بین ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. ضمن اینکه، سبک فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر با ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی رابطه مثبت معنادار دارد. لذا در همین راستا، نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که بین شیوه های فرزندپروری و نیازهای روانی افراد رابطه معنادار وجود دارد. شباهت پژوهش فوق با پژوهش حاضر در متغیرهای نیازهای روانشناختی و شیوه های فرزندپروری است و متغیر رضایت زناشویی فرزندان در پژوهش فوق از تفاوت آنهاست. علاوه براین، در پژوهش فوق جامعه مورد مطالعه، زوجین شاغل در دانشگاه های شهر تهران بودند اما در پژوهش حاضر، جامعه آماری دانشجویان روانشناسی مقطع کارشناسی ورودی بهمن ۹۶ دانشگاه یادگار امام (ره) شهری مورد مطالعه قرار گرفت.

ساداتی فیروزآبادی و ملتفت (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان نقش واسطه ایی نیازهای روانشناختی پایه در ارتباط بین سبک های والدگری و سلامت روان دانش آموزان تیزهوش انجام دادند. یافته های آنان حاکی از این بود که سلامت روان دانش آموزان تیزهوش متاثر از سبک های والدگری خانواده و ارضای نیازهای روانشناختی است. بدین صورت که سبک کنترلی و طردکننده خانواده به صورت منفی و سبک گرمی به همراه سبک حمایت از استقلال خانواده به صورت مثبت، اثر مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت روان دارند. همچنین ارضای نیاز به شایستگی و نیاز به استقلال، به صورت مثبت با سلامت روان در ارتباط است و توانسته نقش واسطه ایی در ارتباط بین سبک های والدگری و سلامت روان ایفا کند و نتیجه نشان داد سبک والدگری مناسب (گرمی در روابط، حمایت از استقلال و نداشتن سبک کنترلی) باعث بهبود شایستگی و سلامت روان در فرزندان می شود. شباهت پژوهش فوق با پژوهش حاضر در متغیر نیازهای روانشناختی است در واقع بین سبک والدگری مناسب با ارضای نیازهای روانشناختی و سلامت روان رابطه معنادار وجود دارد. متغیر شیوه های فرزندپروری در پژوهش حاضر از تفاوت آنهاست. در پژوهش فوق از متغیر سبک های والدگری و سلامت روان استفاده شده است.

در تبیین نتایج این پژوهش می توان گفت همانطور که ارضای نیازهای بنیادی روانی روی رضایت زناشویی فرزندان و سلامت روان دانش آموزان تیزهوش تاثیر داشته است، شیوه های فرزندپروری والدین نیز توانسته بر روی پرورش و ارضای نیازهای بنیادی

روانی موثر باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که شیوه های فرزندپروری صحیح والدین نه تنها به پرورش نیازهای روانی فرزندان می انجامد، بلکه به رشد و ترقی آینده سازان کشور کمک می کند، این در حالی است که والدین در شیوه های فرزندپروری سنتی و گاهی اشتباه، زمینه نابودی و عدم ارضای نیازهای روانی فرزندانشان را در آینده ای نزدیک فراهم می آورند و بدین سبب مانع رشد و پیشرفت فرزندان خود می شوند.

منابع و مراجع

- [1] Anna stilz (2015). The value of self.determination. 00011246.INDD. pp.97_127
- [2] Dario Russo (2016). Competency Measurement Model. European Conference on Quality in Official Statistic (Q2016). pp.1_29
- [3] David utting (2007). Parenting & the different ways it can affect children`s lives: research evidence. Published by the Joseph Foundation, The home stead, 40 water End. pp.1_16
- [4] Meifen Wei, Philip A. Shaffer, Shannon K. Young, and Robyn A. Zakalik (2005) Adult Attachment, Shame, Depression, and Loneliness: The Mediation Role of Basic psychological Needs Satisfaction. Journal of Counseling Psychology 2005, Vol. No. 4, pp. 591_601
- [5] Shannon C.E (1948) A mathematical theory of communication. Vol. 27, pp. 379_423, 623_656, Julay, October, 1948.
- [۶] برک، لورا (۱۳۹۶). روانشناسی رشد (زلفاح تا کودکی)؛ ترجمه یحیی سید محمدی؛ جلد ۱؛ تهران: ارسباران
- [۷] بشارت، محمدعلی؛ هوشمند، سیده نعیمه؛ رضازاده، سید محمد رضا؛ لواسانی، مسعود غلامعلی (۱۳۹۴). نقش تعدیل کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. روانشناسی خانواده، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۸-۱۵.
- [۸] تونزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهان شیر؛ لگزیان، زهرا (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه های فرزند پروری بر خود کارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۶۴-۵۵.
- [۹] ساداتی فیروزآبادی، سمیه؛ ملتفت، قوام (۱۳۹۶). نقش واسطه ای نیازهای روانشناختی پایه در ارتباط بین سبک های والدگری و سلامت روان دانش آموزان تیزهوش. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دوره ۵، شماره ۳، صص ۲۱۲-۲۰۲.
- [۱۰] شعبی، فاطمه (۱۳۹۲). نیازهای انسان. تهران: نشر الکترونیکی سبز.
- [۱۱] علی زاده، مرجان؛ ابوالمعالی، خدیجه؛ ارجمند نیا، علی اکبر (۱۳۹۶). پیش بینی رضامندی زوجیت بر اساس ویژگی های شخصیتی و نیازهای بنیادین روان شناختی با میان جیگری سلامت روان در مادران دختران تیزهوش. نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، پیاپی ۲۵، شماره ۴، صص ۹۴-۸۱.
- [۱۲] فرجی، ندا (۱۳۹۳). بررسی رابطه میان نیازهای اساسی روانشناختی و خودشناسی با خودتنظیمی یادگیری و هیجانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی تربیتی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- [۱۳] قدسی، علی محمد؛ قائمی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی سبک های فرزند پروری با سبک فرزند پروری امام علی (ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۸، صص ۲۰-۱.
- [۱۴] میرزایی، حسنعلی (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش فرزند پروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش های فرزند پروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان. دو فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۷۴-۸۲.
- [۱۵] هومن، حیدرعلی؛ بشردوست، سیمین؛ کتابی، امیرحسین (۱۳۹۱). ویژگی های روانسنجی آزمون نیازهای اساسی روانشناختی و رابطه آن با بهزیستی روانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران مرکز.